

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ جولای ۲۰۲۲

## تطمیع و تخویف، دو روی یک سیاست امپریالیستی!

یکشنبه - ۰۲ اسد ۱۴۰۱ - کابل: «زمانی که ما سفارت خود را در افغانستان بستیم به این فکر افتادیم که با طالبان چه کار کنیم. هنوز سوال بزرگی مطرح است، آیا باید آنها را در آغوش بگیریم یا آنها را منزوی کرده و فشار وارد کنیم تا کارهای درست در موارد حقوق بشر و حقوق زنان و فراگیری انجام شود».

جملاتی که در بند بالا از نظرتان گذشت، قسمتی از مصاحبه ایست که "خاین بزرگ زلمی خلیلزاد" در مصاحبه با "گلد من ساکس" آن را بر زبان آورده است. در یادداشت امروز همین جملات را بهانه قرار داده، گوشه ای از تکنیک های امپریالیستی را در مواجهه با کشورهای کوچک و ضعیف، نهاد ها و افراد فاقد شهامت و دور از توده های میلیونی به بحث می گیریم:

۱- "خلیلزاد" در ظاهر امر می خواهد چنان و انمود نماید که گویا بین **تطمیع**- در آغوش گرفتن- و **تخویف** - منزوی ساختن و فشار وارد کردن- نه تنها دیواری به ضخامت دیوار چین وجود دارد بلکه هیچ گونه رابطه و همسویی نیز بین آنها موجود نیست.

آنهایی که به امر سیاست آشنا هستند می دانند که چنین ادعایی در ذات خودش نه تنها دروغ، غلط و مردم فریبی است، بلکه تلاشی است جهت کتمان واقعیت مناسبات امپریالیستی با کشورهای کوچک و ضعیف و حتا نهاد ها و افراد کوچک و دور از توده های میلیونی یک کشور. آنها بدین شیوه می خواهند با نمایش آشکار قهر، تطمیع شان را بپوشانند و یا عکس آن با نمایش تطمیع تمهیدات تخویف و سرنگونی طلبانه شان را کتمان نمایند. در حالی که تجربه نشان داده که قدرت های امپریالیستی همزمان و به موازات یک دیگر، از هر دو شیوه و تکنیک و به اصطلاح سیاست در قبال طرف های ضعیف کار گرفته اند.

۲- اجرای چنین سیاستی تنها به امپریالیسم امریکا و شرکای غربی آن محدود نمانده، در کل به مثابه یک تکنیک امپریالیستی از طرف تمام کشورهای ذی نفع در قبال افغانستان به اندازه های متفاوتی اعمال می گردد. تا جایی که من توجه نموده ام تنها کشوری که تا کنون از زبان تخویف و تهدید مقابل طالب و نظام ملاسالار کار نگرفته چین است. هر چند کمک های قطره چکانی آنها می تواند نمودی از زبان تخویف به شمار بیاید در غیر آن می خواهد ایران باشد و یا پاکستان، روسیه باشد یا هند و تمام بلوک غرب، تمام آنها باربار از هر دو سیاست علیه طالب و نظام ملاسالار کار گرفته اند.

ما در ادبیات سیاسی و حتا در ضرب المثل های روزمره ما چنین برخورد ها و شیوه ها را بسیار مختصر در زبان خود بیان نموده ایم مثلاً : "سیاست نان قندی و قمچین" و یا به زبان عوام "با یک دست پس زدن و با دست دیگر پیش کشیدن"

۳- تا جایی که از تحرکات منطقه ئی و زبان رسانه های جهانی اعم از شرق و غرب بر می آید، دیده می شود که در قبال حاکمیت طالبان و نظام ملاسالار همین برخورد با تمام ابعاد آن اعمال می گردد. مثلاً امریکا از یک جانب نظام ملاسالار و افغانستان را از لیست شرکای ناتوئی خود خارج می سازد و از جانب دیگر می خواهد از طریق قطر تمویل اردوی بی سروپای طالب را به گردن بگیرد. همچنین از یک جانب با "احمد مسعود" که سمارق گونه، قبل از برآمدن از تخم به اذان شروع نمود، مصاحبه می کند و عملاً از زبان وی سرنگونی طالب را منتفی نمی داند، از جانب دیگر توسط یکی از نوکران گوش به فرمانش کشور ازبیکستان، برای طالب فرش فرمز پهن می نماید، تا به دلبری شان در سطح جهان و منطقه ادامه دهند.

دیده می شود که عین شیوه را روسها نیز تعقیب می نمایند. یعنی در عین حالی که از طریق رسانه های وابسته به حاکمیت مانند "سپوتنیک" قطراتی از دریای جنایات طالبان را در چشمرس قرار می دهند و همزمان با آن از مخالفان بی سروپای آنها یاد می کنند، به صورت رسمی ضمن ارسال کمکهای مالی، خواستار روابط عمیقتری با طالب و نظام ملاسالار می گردند.

هموطنان گرامی!

از مجموع این بحث نتیجه می گیریم که تظمیع و تخویف در سیاست های امپریالیستی به مثابه دو روی یک سکه عمل نموده، نباید فریب هیچ یک از آنها را خورد. آنها یعنی کشور های امپریالیستی دور و نزدیک در صدد تأمین منافع مادی- ستراتیژیک خود هستند، تغییر شیوه ها نه تنها تغییری در ستراتیژی آنها نمی آورد بلکه همه آنها به مثابه ابزار، در خدمت تحقق همان ستراتیژی می باشند.

سوالی که در چنین حالتی مطرح می گردد این است: آیا طالب می داند و قادر خواهد شد تا از بین ده ها و صد ها تضاد موجود بین شرق و غرب و شیوه های مختلف برخورد آنها با طالب، خود را سر پای نگه دارد و زیر ضربت یکی از آنها قرار نگیرد، امریست که آینده آن را مشخص خواهد ساخت. تا جایی که دیده می شود اکنون این تقابل با شدت در اطراف افغانستان وجود دارد و طالب و نظام ملاسالار را به مانند یک غریق در یک باتلاق با خود فرو می برد. تنها دست نجاتی که در چنین مواقعی می تواند دراز شود، اتکاء به نیروی خود و پیروی از مشی مستقل ملی - انقلابی است. امری که طالب در ذات و خمیره خود با آن در تناقض و دشمنی آشتی ناپذیر قرار دارد و نمی تواند بدان رجوع نماید.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**